

صنایع دستی روستایی ورشد و توسعه درون‌زا

از: دکتر حسین یاوری استاد دانشگاه‌های: هنر، تهران و الزهرا(س)



امروزه با ایجاد تعاونی‌های گوناگون، چه در زمینه تأمین مواد اولیه و چه در خصوص تولید و فروش محصولات مختلف، نقش واسطه‌ها بسیار کم‌رنگ شده و نظام تعاونی با شکل منطقی خود به صورت نهادی خود جوش در خدمت روستائیان درآمده که امید می‌رود در آینده‌ای نه چندان دور، شاهد رونق هر چه بیشتر آن باشیم.

صاحبان قلم و اندیشه، اقتصاددانان و پژوهشگران و صاحب‌نظران مسائل اقتصادی و صنعتی، در بررسی الگوهای توسعه، اولویت خاصی را برای توسعه درون‌زا قائلند. بدون تردید، مهم‌ترین عامل توسعه درون‌زا در هر منطقه، استفاده از پتانسیل‌ها و امکانات بالقوه موجود در آن منطقه است که از یک‌سو بر عدم وابستگی اتکاء دارد و از سوی دیگر می‌تواند تضمین‌کننده رشد و توسعه مداوم و منطقی باشد.

در حال حاضر، کشورهای روبه رشد با مسائل و مشکلات عدیده‌ای چون کمبود منابع مالی برای سرمایه‌گذاری، رشد فزاینده جمعیت و درصد رشد قابل ملاحظه سالانه آن (حدود ۳ درصد در سال)، وابستگی صنعتی و تکنولوژیکی به خارج و حتی وابستگی برای تأمین مواد غذایی و کشاورزی و متأسفانه در مواردی وابستگی برای تهیه قوت لایموت خود، مواجه بوده و هستند، ضمن آنکه همه ساله شاهد و ناظر فاصله هر چه بیشتر و عمیق‌تر میان کشورهای به اصطلاح فقیر و غنی هستیم. در کنار واقعیات عینی و محض که شرح آن به اختصار گفته شد، متأسفانه کشورهای در حال توسعه به دلایل مختلف قادر نبوده و نیستند از امکانات موجود به نحو مطلوب بهره‌گیری و از آنچه که امروزه به عنوان «برتری نسبی» در صحنه رقابت بین‌المللی یاد می‌شود استفاده نمایند و اینگونه ممالک کم‌امکان دارای اقتصادی تک‌محصولی بوده و گروهی از آنها صادرکننده نفت خام و گروه دیگر صادرکننده عمده یک ماده اولیه خاص می‌باشند.

کشور ما به عنوان یک کشور در حال توسعه که با سمت‌گیری خاص بر قطع وابستگی اقتصادی بر رهایی از اقتصاد تک‌محصولی نیز تأکید ویژه‌ای دارد می‌باید از امکانات بالقوه موجود همچون صنایع دستی، صنعت توریسم و ... استفاده بایسته نماید.

شکی نیست، توسعه اقتصادی در گرو شناخت و رشد بنیان‌های اساسی و اصلی تولید است و یکی از ارکان توسعه اقتصادی از نوع درون‌زا که در کشور ما ریشه‌های عمیق و

درکشور ما، توجه لازم به آموزش، تولید و فروش صنایع دستی روستایی از ضروریات می‌باشد، زیرا در پرتو آن، ضمن حفظ هویت فرهنگی و تقویت میانی آن، با ایجاد اشتغال مولد و کار و درآمد جنبی برای روستائیان، از روند مهاجرت بی‌رویه به شهرها کاسته شده و با بهره‌گیری از امکانات موجود، زمینه‌های توسعه درون‌زا که منطقی‌ترین الگوی توسعه برای کشورهای جهان سوم شناخته شده، مهیا می‌گردد.

قرن‌ها و هزاره‌ها است که روستائیان در اوقات فراغت خود و نیز در فصول غیرکشت با استفاده از مواد اولیه حاصل از کار کشاورزی و دامداری به تولید انواع صنایع دستی پرداخته و از این رهگذر ضمن پر کردن اوقات فراغت، هم بخشی از نیازهای خانوار را تأمین نموده و هم آنکه مازاد تولید خود را در محل تولید و

استوار در آداب، رسوم، سنتها و در مجموع فرهنگ آنهم فرهنگ مردمی ما دارد، صنایع دستی روستایی است.

صنایع دستی روستایی، به عنوان صنعتی بومی و کاملاً غیر وابسته از دیرباز سهمی را در ایجاد اشتغال مولد و تأمین درآمد جنبی برای روستائیان داشته و دارد.

یا در دیگر مناطق عرضه و به فروش می‌رسانند، گو اینکه در این زمینه یعنی عرضه محصول، واسطه‌ها نیز نقش فعالی داشته‌اند که امروزه با ایجاد تعاونیهای گوناگون (چه در زمینه تأمین مواد اولیه و چه در خصوص تولید و فروش محصولات مختلف) این نقش بسیار کم‌رنگ شده و نظام تعاونی با تشکل منطقی خود به صورت نهادی خودجوش در خدمت روستائیان درآمده که امید آن می‌رود در آینده‌ای نه چندان دور شاهد رونق هر چه بیشتر آن باشیم.

درواقع وجود مواد اولیه بحد و فور، سابقه و سنت تولید، عدم نیاز به سرمایه‌گذاری زیاد، و در عین حال ارزش افزوده بالا و هماهنگی و همگنی فرهنگ تولید با فرهنگ اصیل و مردمی روستا، این امکان را پدید آورده که روستائی در هر زمانی که فرصت و مجالی یابد با شور و علاقه وافر، مواد اولیه در دسترس را به محصول تولیدی مورد نیاز یا قابل عرضه به دیگران تبدیل سازد و قسمتی از درآمد مورد نیاز خود و خانواده‌اش را تأمین نماید.

در میان بیش از ۱۴۰ رشته صنایع دستی ایران که می‌توان آن را در ۲۰ گروه بزرگ تقسیم و طبقه‌بندی نمود، کمتر صنعت دستی را می‌توان یافت که امکان ایجاد، رشد و توسعه در مناطق روستایی را نداشته باشد چراکه قالیبافی، گلیم‌بافی و دیگر زیراندازهای سنتی، نمدمالی، حصیربافی، دستیافی، رودوزی، بافتنی و ... همه و همه نه تنها امکان تولید در مناطق روستائی را داشته و دارند بلکه درواقع اساس، منشاء و منبع اصلی آنها مناطق روستائی کشور بوده است.

نگاهی گذرا به خصوصیات تولید در هر یک از رشته‌های مذکور مؤید آن است که با سرمایه‌گذاری به طور متوسط حدود ۵۰۰۰۰۰ (پانصد هزار) ریال می‌توان به ایجاد آن که در واقع شغلی مولد با زیربنای غنی فرهنگی می‌باشد همت گماشت، ضمن آنکه در چنین صورتی با ارزش افزوده‌ای حدود ۷۵ درصد مواجه خواهیم بود.

از سوی دیگر می‌دانیم که ماندن در



توسعه اقتصادی در گرو شناخت و رشد بنیان‌های اساسی و اصلی تولید است و یکی از ارکان توسعه اقتصادی از نوع درون‌زا که در کشور ما ریشه‌های عمیق و استوار در آداب، رسوم، سنتها و در مجموع فرهنگ مردمی دارد، صنایع روستایی است.



امروزه برخی از کشورهای در حال توسعه نظیر: هند، اندونزی و تایلند، با قائل شدن نقش لازم برای صنایع دستی روستایی خود در برنامه‌های کلان توسعه اقتصادی، به پیشرفتهای چشمگیری دست یافته‌اند. سهم صنایع دستی روستایی در درآمد ملی کشور هند حدود ۱۵ درصد است.

روستا، یعنی «تولید، رشد و شکوفائی» و آمدن بی‌رویه به شهرها به مفهوم «مصرف، کاهش تولید و رشد بی‌رویه مشاغل کاذب» است.

در سالی که گذشت یعنی در سال ۱۳۷۲، حدود ۴۰ درصد یعنی ۱/۵ میلیارد دلار از

حجم صادرات غیرنفتی کشورمان را صادرات فرش دستباف تشکیل داده است که ارقام مذکور با افزودن صادرات دیگر اقلام صنایع دستی و نیز فروش داخلی آن و همچنین با علاوه نمودن آنچه که برای مصرف خانوار و خود مصرفی تولید گردیده، بسیار چشمگیر می‌گردد و طبیعی است که در این میان نقش

برنامه‌ریزان بسیار حساس خواهد بود چرا که آمار و ارقام موجود نمایانگر سقف یا حداکثر استفاده از امکانات نبوده و تا رسیدن به استفاده مناسب و بهینه از مقدرات، پتانسیل‌ها و امکانات و به فعل درآوردن آن فاصله‌ای نسبتاً طولانی داریم.

امروزه برخی از کشورهای در حال توسعه نظیر هند، اندونزی و تایلند با قائل شدن نقش لازم برای صنایع دستی روستایی خود در برنامه‌های کلان توسعه اقتصادی، به پیشرفتهای چشمگیری دست یافته‌اند و امروزه سهم صنایع دستی و روستایی در درآمد ملی کشور هند حدود ۱۵ درصد بود و کشور اندونزی حتی در پنجمین برنامه توسعه اقتصادی خود همچنان برای صنایع دستی نقشی محوری قائل است.

کشورهای چین، تایلند و نپال نیز همه ساله از تولید و فروش خارجی صنایع دستی روستایی خود به درآمد ارزی قابل ملاحظه‌ای دست می‌یابند و در کشور مجارستان، توسعه صنایع دستی به عنوان عاملی برای حفظ تعادل میان شهر و روستا شناخته شده و همواره بر آن تأکید می‌گردد.

اینک که کشور ما در آستانه تدوین نهایی دومین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود قرار دارد و سال ۱۳۷۴ به عنوان سال شروع برنامه تعیین شده است توجه لازم به آموزش، تولید، فروش (داخلی و خارجی) صنایع دستی روستایی از ضروریات می‌باشد، چراکه در چنین صورتی ضمن حفظ هویت فرهنگی و تقویت مبانی آن با ایجاد اشتغال مولد، کار و درآمد جنبی برای روستائیان، هم از روند مهاجرت بی‌رویه به شهرها کاسته می‌گردد و هم آنکه با بهره‌گیری از امکانات موجود، زمینه‌های توسعه درون‌زا که به عنوان منطقی‌ترین الگوی توسعه بخصوص برای کشورهای جهان سوم شناخته شده مهیا می‌گردد و در کنار آن می‌توانیم به توسعه صادرات غیرنفتی و نهایتاً رهایی از اقتصاد تک محصولی و رسیدن به خودکفائی اقتصادی نائل شویم.

تعاونی‌ها قید نگردیده‌اند.

۵- سقف اعتباری تعیین شده در مواد ۱۲ و ۱۳ آئین‌نامه اجرایی بعضی از استان‌ها را در سال گذشته برای جذب اعتبارات دچار مشکل نموده بود. علیرغم انعکاس آن مورد به سازمان برنامه و بودجه، کمافی السابق در سال جاری نیز افزایش نیافته است. برای رفع موانع یاد شده موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

پیشنهادهای:

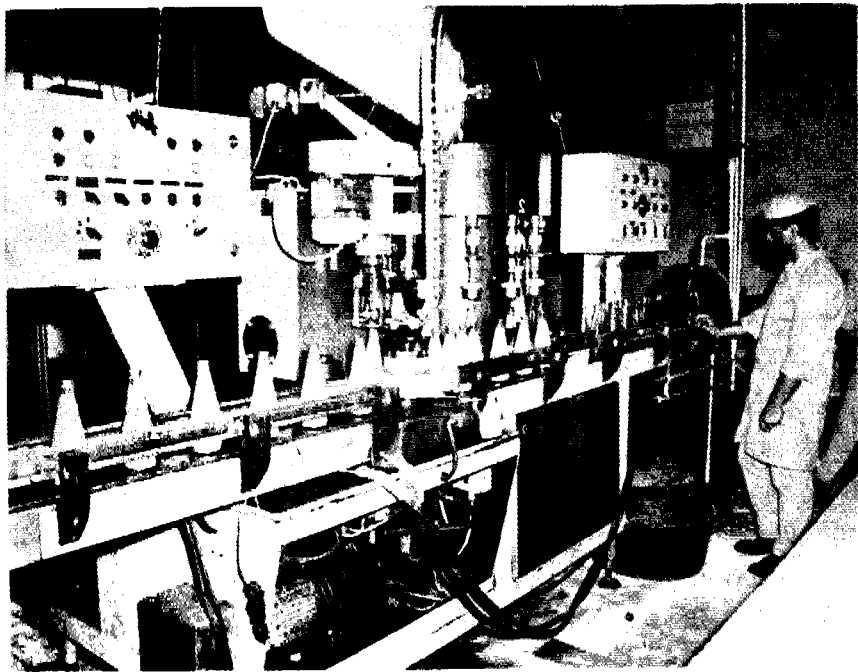
۱- به منظور اجرای صحیح قانون بخش تعاون و برای پرهیز از دوگانگی‌های اجرایی لازم است نسبت به تعاونی‌های فرش دستباف تعیین تکلیف گردیده و دستگاه ناظر بر اداره امور این شرکتها در آئین‌نامه اجرائی تبصره ۴ در سال ۷۳ صراحتاً وزارت تعاون تعیین شود تا از پراکندگی کار و تضييع حقوق قالیبافان عضو شرکتهای تعاونی فرش جلوگیری بعمل آید.

۲- سقف اعتبارات تخصیصی به اعضاء تعاونی‌ها موضوع مواد ۱۲ و ۱۳ آئین‌نامه اجرایی که منجر به عدم امکان جذب این اعتبارات در تعاونی‌های تولیدی که غالباً دارای اعضاء کمتری می‌باشند گردیده با توجه به شرایط موجود اقتصادی به ارقام ۸۰۰۰۰۰ ریال از منابع قرض الحسنه و ۱۲۰۰۰۰۰ ریال از سایر تسهیلات بانکی برای هر عضو افزایش یابد.

۳- اگرچه تصریح لازم در متن ماده ۶۹ قانون تعاون وجود دارد، مع الوصف به منظور استفاده قانونی از اعتبارات تبصره ۴ و جلوگیری از وارد آمدن هرگونه آسیبی به منابع بانکی، شرکتهای تعاونی استفاده‌کننده از تسهیلات اعتباری موظف به انطباق وضعیت خود با قانون تعاون گردیده و با ارائه معرفی‌نامه از وزارت تعاون (ادارات کل تعاون استانها) تسهیلات به آنها اعطاء شود.

۴- برابر قانون بودجه سال ۷۳ تعاونی‌های فرش نیز به نسبت ۳۰ درصد از قرض الحسنه و ۷۰ درصد از سایر تسهیلات بانکی استفاده نمایند تا در اجرا مشکلاتی عارض نگردد.

شماره ۳۶ / شهریور ۱۳۷۳ / تعاون / ۵۱



قیه از صفحه ۱۷

کشور به وزارت تعاون بود، مشکلات و تنگناهای مشروح زیر به چشم می‌خورد:

۱- در اعتبارات تخصیصی به تعاونی‌های فرش دوگانگی وجود داشته و بخش عمده اعتبارات تعاونی‌های فوق در اختیار وزارت جهاد قرار گرفته که با قانون بخش تعاونی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۷۰/۶/۱۳ تعارض آشکار دارد.

۲- در جدول توزیع اعتبارات به شرح ماده ۲ آئین‌نامه اجرایی تبصره ۴ قانون بودجه کل کشور در سال ۱۳۷۳، نسبت تعیین شده در متن قانون (به میزان ۳۰ درصد از محل قرض الحسنه و ۷۰ درصد سایر منابع بانکی) به ویژه در مورد تعاونی‌های فرش مراعات نگردید.

۳- با وجود اینکه در ماده ۷ آئین‌نامه اجرایی، تعاونی‌های صیادی را در شمار شرکت‌های تعاونی تحت نظارت وزارت تعاون قید نموده، اما در جدول مربوط از قید آن خودداری شده است.

۴- علیرغم متن تبصره ۴ قانون بودجه کل کشور در سال جاری مبنی بر مشمول بودن صنایع و خدمات فنی جهت بهره‌گیری از تسهیلات اعتباری این تبصره، در ماده ۷ آئین‌نامه اجرایی تبصره مذکور، این گروه از

کهنگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان و ایلام به ترتیب با صفر، ۱ و ۶ طرح و در استان‌های کرمانشاه، خوزستان هر یک با ۷ طرح می‌باشد.

بیشترین سهمیه اعتبارات مربوط به استان‌های اصفهان، مازندران، بوشهر، کرمان به ترتیب ۱۹۰۰ و ۱۵۶۳ و ۱۵۶۰ و ۱۵۲۸ میلیون ریال می‌باشد و کمترین سهمیه اعتباری مربوط به استان ایلام به مبلغ ۳۵۰ میلیون ریال است.

در مجموع ۵۴/۷ درصد از کل اعتبارات وزارت تعاون توسط تعاونی‌های تولید کشاورزی، ۱۳/۴۲ درصد به وسیله تعاونی‌های فرش دستباف و صنایع روستایی ۳/۱۰ درصد از طریق تعاونی‌های تولید ادوات کشاورزی و ۲۰/۳۳ درصد به وسیله تعاونی‌های صیادی و شیلات جذب گردیده که بدین ترتیب بیشترین میزان جذب مربوط به تعاونی‌های کشاورزی و کمترین آن مربوط به تعاونی‌های تولیدکنندگان ادوات کشاورزی می‌باشد.

مشکلات موجود

نظر به اینکه سال ۱۳۷۲ اولین سال تخصیص اعتبارات تبصره ۴ از بودجه کل